

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال ۱۳ شماره ۴۰. بهار و تابستان ۱۴۰۰ (صص ۱۹۴-۱۷۹)

## ورود زبان عربی به هند و بازتاب آن در شبه قاره

۲- مرضیه قاسمیان

۱- محمد تقی زندوکیلی

### چکیده

زبان عربی، زبان بین المللی جهان اسلام است که با توجه به پیشرفت روزافزون دین مبین اسلام به تدریج در خارج از شبه جزیره عربستان از جمله در شبه قاره هند نیز انتشار یافت. این زبان در هند تقریباً به طور انحصاری توسط مسلمانان این دیار مورد استفاده قرار می گرفت اما با توسعه حکومت های اسلامی در شبه قاره، زبان عربی تحت حمایت حاکمان هند نیز واقع شد و توسعه ی این زبان در دوره های بعد باعث رواج خط عربی در این دیار شد و با گذشت زمان، رویکردها و عملکردهای متفاوتی پیدا کرد. مقاله حاضر با روش توصیفی - استقرایی در صدد بررسی چگونگی ورود زبان عربی به هند است. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که با انتشار دین اسلام در شبه قاره و نیاز مذهبی مسلمانان به یادگیری زبان دین، این زبان از قرن اول هجری به سرزمین هند راه یافت و در جنبه های مختلف زندگی هندی ها اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و معیشتی و نیز در تعاملات تجاری و فرهنگی هند با عربها تاثیر گذاشت.

**کلید واژه ها :** دین اسلام، زبان عربی، شبه قاره هند.

### ۱- مقدمه

وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شبه قاره هند از قرن پنجم میلادی وارد دوره انحطاط خود گردید. این انحطاط در نظام اجتماعی هند نیز قابل مشاهده بود به گونه ای که «نظام طبقاتی و نظام فئودالی هند، وفور خدایان کوچک و بزرگ بی شمار در شبه قاره، جنگ های داخلی و متعاقب آن سست شدن پایه های اقتصادی، نبود حکومت مرکزی مقتدر و از همه مهمتر دگرگون شدن و پوسیدگی نظام های فکری حاکم بر جامعه، زمینه پذیرش نیروهای بیگانه و

---

۱-دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سیستان و بلوچستان(نویسنده مسئول) Email: [mt\\_zand@lihu.usb.ac.ir](mailto:mt_zand@lihu.usb.ac.ir)

۲-کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۴

تسخیر آسان آن را فراهم ساخت.» (دولافوز، ۱۳۱۶ : ۸۳). آنچه مهم به نظر می رسد این است که نه تنها عوامل مذکور سبب فروپاشی ارکان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شبه قاره شد بلکه عوامل دیگری نیز بر سرعت این انحطاط می افزود. از جمله عوامل تأثیر گذار اختلاف طبقاتی بود چرا که «شرایط زندگی ساکنان هند در قرون وسطی کاملاً متمایز و متفاوت بود زیرا مردم شبه قاره در دو طبقه اجتماعی کاملاً متمایز و متفاوت زندگی می کردند: گروهی در رفاه، آسایش و برخورداری از تمام امکانات علمی، فرهنگی، اقتصادی و ... و گروهی هم در نهایت رنج، مشقت و عدم بهره مندی از امکانات اجتماعی به سر می بردند.» (یاری، ۱۳۸۹: ۱۴) در چنین شرایط اجتماعی بود که اسلام به همراه پیام برابری کلیه طبقات اجتماعی، وارد این سرزمین شد و زمینه را برای نفوذ خود و هم چنین نفوذ زبان و ادبیات عربی در میان ساکنان شبه قاره فراهم نمود.

روایت های متفاوتی پیرامون ورود اسلام به شبه قاره هند وجود دارد. برخی بر این عقیده اند که ترویج اسلام در شبه قاره از طریق غزوات صورت گرفته است اما تعداد زیادی از تاریخ نگاران بر این باورند که غزوات مقدمه همه عوامل نبوده بلکه پیش از این فتوحات، اسلام از روش های مختلف نظیر تجارت و تعامل با اعراب به این سرزمین راه یافته است اما از لحاظ جغرافیای نفوذ «نخستین نواحی که اسلام در آن جا نفوذ و گسترش یافت سواحل جنوبی و جنوب غربی هند، مالیا، خلیج کامبلیه و سیلان بود.» (پی هاردی، ۱۳۶۹: ۱۱۹) درباره پیشینه ورود زبان عربی به شبه قاره برخی از تاریخ نگاران بر این باورند که آشنایی هندوها با اسلام و زبان عربی بواسطه حضور بازرگانان در هند صورت گرفته است که از جمله این بازرگانان می توان اشاره کرد به «صحارالعبدی که در سال ۲۳ هجری قمری به شبه قاره سفر نمود.» (ابن اثیر، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۴۴) و یکی دیگر از تاجران عرب که از حاملان اصلی پرچم هدایت به شمار می رود «مالک بن دینار است که به همراه ۲۰ نفر از یاران خود که همگی مسلمان بودند به شبه قاره سفر کردند و در سرزمین کرایا سکنی گزیدند و اولین مسجد شبه قاره را در سال ۶۲۹م بنا نهادند.» (یزدانی، ۱۳۹۰: ۱۸). با گذر زمان، اسلام تأثیر خود را - قبل از لشکرکشی فاتحان هند- بر قلب و اندیشه هندوها گذاشت و آنان را شیفته تعالیم خود نمود چرا که «با ظهور اسلام و تصرف سرزمین سند توسط مسلمانان و سکونت در آن نواحی، زمینه ارتباط و تعامل بیشتر مسلمانان با ساکنان هند فراهم شد و ساکنان این منطقه توانستند با مراکز علمی آن روز دنیای

اسلام، بغداد و دمشق روابط علمی، فرهنگی، تجاری و سیاسی برقرار نمایند و بدین ترتیب سند نقطه وصل جهان اسلام با کشور هند شد» (نهر، ۱۳۶۲: ۲۸۵) و از طریق تعاملات علمی و روابط فرهنگی این دو با هم، فرهنگی اسلامی- هندی در این نواحی پدیدار شد که انعکاس این فرهنگ در تالیفات و نقشینه های تاریخی و ضرب سکه و آثار باستانی بر جای مانده از آن زمان و دوره های پس از آن به روشنی قابل مشاهده است و افزون بر این موارد این تعاملات باعث افزایش میل و اشتیاق هندوها برای فراگیری زبان عربی شد که این امر خود در دوره های بعد نه تنها سبب گسترش زبان عربی در شبه قاره شد بلکه تاسیس مدارس دینی- عربی، تالیف کتاب، ضرب سکه های اسلامی را به دنبال داشت.

جستار حاضر در صدد بیان پیشینه ورود زبان عربی به شبه قاره و آشنایی هندی ها با آن و تجلی این زبان در هند است.

#### ۱-۱- بیان مساله و سؤالات تحقیق

حملة اعراب به شبه قاره از قرن هفتم میلادی و پس از وخامت اوضاع سیاسی و اجتماعی هند صورت پذیرفت اما مردم هند ابتدا با اعراب سپس با اسلام آشنا شدند چرا که تعاملات آنها به قرن ها قبل یعنی عهد سومریان باز می گشت. در آن زمان میان آنها روابط بازرگانی برقرار بود و این گونه روابط رو به افزایش بود تا جایی که مردم هر دو منطقه به سرزمین یکدیگر سفر می کردند. این تعاملات باعث می شد تا با فرهنگ، رسوم آداب، ادیان و زبان یکدیگر آشنا شوند اما زمانی که هند به تصرف مسلمانان در آمد دامنه نفوذ زبان عربی در این نواحی وسعت یافت که این امر خود ناشی از عواملی چون استقرار و اسکان اعراب در بنادر و سواحل هند و نیز ازدواج با بومیان آن مناطق است و گسترش این زبان در این نواحی تا جایی پیش رفت که نه تنها مردم هند زبان عربی را فراگرفتند بلکه در آن سرزمین، عالمان، ادیبان، تاریخ نگاران و شاعرانی ظهور کردند که با خلق آثاری ارزشمند بر غنای زبان عربی در شبه قاره افزودند و خدمات شایانی به نفوذ این زبان در سرزمین خود نمودند و سطح کاربردی زبان عربی را در این دیار ارتقا دادند. مساله اصلی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته این است که چگونه زبان عربی به هند راه یافت و کیفیت تجلی این زبان در شبه قاره به چه صورت بوده است؟

## ۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

نفوذ و گسترش اسلام را در هند می توان معلول عواملی چون لشکرکشی، تجارت حضور جهانگردان، مبلغان و علماء و نهضت ترجمه دانست. تعاملاتی که هند با دنیای اسلام داشت سبب شد تا علاوه بر آشنایی مردم هند با اندیشه های اسلامی، شناختی نسبت به زبان عربی و متون ادبی آن کسب نمایند. این امر به اینجا ختم نمی شود زیرا مردم شبه قاره نه تنها زبان عربی را فراگرفتند بلکه رفته رفته تا حدی پیش رفتند که توانستند در برخی از زمینه ها به رقابت با علماء و ادبای عرب زبان بپردازند و تالیفات ارزشمند و گرانبهایی را از خود بر جا گذارند. لذا آنچه که اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش را ایجاب می کند در واقع بررسی چگونگی ورود زبان عربی به هند و نحوه آشنایی مردم آن سامان با این زبان است، موضوعی که تا به امروز کمتر بدان توجه شده است.

## ۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی - استقرایی استفاده شده است. به این صورت که ابتدا با مراجعه به منابع و مراجع معتبر، تاریخچه ی زبان عربی در هند بررسی شده و سپس چگونگی نفوذ این زبان به این سرزمین و همچنین کیفیت تجلی این زبان در هند مورد بحث و بررسی قرار گرفته است

## ۴-۱- پیشینه تحقیق

کتابها و مقالات فراوانی در مورد سرزمین هند و نیز گسترش اسلام در شبه قاره هند نوشته شده است که برخی از آنها حاوی گزارش های ارزشمندی در مورد شهرها، راه ها بنادر، کاروانسراها و اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هند است که از میان این آثار می توان به کتاب «المسافات و الولايات» نوشته ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی و کتاب «المسالک و الممالک» نوشته ابوالقاسم عبید الله بن خرداذبه و کتاب «اشکال العالم» نوشته ابوالقاسم بن احمد جیهانی و کتاب «مسالک و ممالک» ابو اسحاق اصطخری و... اشاره کرد. در زمینه ورود اسلام به هند و نیز

شکل گیری حکومت‌های اسلامی در آنجا مقالات متعددی نگاشته شده که در اینجا می توان به برخی از آنها اشاره کرد: مقاله «سیاست دینی حکومت‌های اسلامی در شبه قاره هند» نوشته فتح ا... مجتبابی و بدر السادات علیزاده مقدم که در فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء تهران در شماره ۷۱، چاپ هفدهم در بهار ۱۳۸۷ منتشر شده است. نویسندگان در این مقاله ضمن بررسی سیاست دینی حکومت های اسلامی در شبه قاره هند، به چگونگی تعامل سلسله های صوفیه با این حکومت های مسلمان و تاثیر آن در سیاست دینی آنها پرداخته اند.

و نیز مقاله « نخستین مراحل ورود اسلام به هند» نوشته جمال موسوی که در پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی در مقالات و بررسی ها دفتر ۶۴ در زمستان ۱۳۷۷ چاپ شده است. در این مقاله فتوحات محمد بن قاسم ثقفی در قسمت‌های غربی هند بررسی شده و سرانجام اوضاع سیاسی متصرفات اسلامی در هند تا اوایل خلافت عباسیان مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مقاله «علل لشکرکشی مسلمانان به هند در قرون اولیه اسلام» نوشته یاسمن یاری که در مجله تاریخ اسلام در شماره ۳۶ در پاییز و زمستان ۱۳۸۷ منتشر شده است. در این مقاله مواردی چون جنگ با کافران، گسترش دین اسلام و حمایت از مسلمانان ساکن آن سرزمین، به عنوان انگیزه لشکرکشی مطرح شده است. مقاله «تغییرات ساختاری زبان عربی در اثر ورود به شبه قاره» نوشته رضا رضایی و مرضیه قاسمیان که در فصلنامه مطالعات شبه قاره در شماره ۳۷ در زمستان ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. در این پژوهش تغییرات ساختاری و تألیفی در واژگان دخیل عربی، ناشی از رویکرد تنسیقی و نتیجه تعامل و هماهنگی با نظام آوایی زبان هندی عنوان شده است. ضمن ارج نهادن به تلاش‌های علمی و پژوهشی صورت پذیرفته در این خصوص، باید گفت تا به امروز کتاب و یا پژوهشی مستقل که به موضوع مورد بحث بپردازد به رشته تحریر در نیامده است.

## ۲- مروری بر تاریخچه زبان عربی

زبان عربی از دسته زبانهای سامی به حساب می آید چرا که «صدها سال پیش اقوامی صحرائشین در شبه جزیره عربستان زندگی می کردند که سامیان نام داشتند و زبان کهنی که میان سامیان رواج داشت، سامی نامیده می شد. هر چند برخی سامیان هنوز هم در مناطق دورافتاده عربستان زندگی می کنند، اما با گذر ایام بسیاری از آنها به تدریج از شبه جزیره خارج شدند و به مناطق اطراف کوچ کردند و در زبان و فرهنگ با مردم آن مناطق آمیخته شدند. در طی این

مهاجرت‌ها، تمدن‌های عظیمی در مناطق اطراف به وجود آمد که از آن‌جمله می‌توان به تمدن‌های بابلی، آرامی، سومری، کنعانی و عبری اشاره نمود. زبان‌های باستانی ایجاد شده در هر منطقه با هم تفاوت‌های آشکاری دارند اما همگی جزء زبان‌های سامی به شمار می‌آیند. دسته بندی زبان‌های سامی بر حسب نسبت آن با جزیره العرب انجام می‌گیرد: زبان‌های شرقی مانند بابلی و آشوری، زبان‌های غربی مانند کنعانی، عبری و آرامی و جنوبی مانند عربی و حبشی» (الفخوری، ۱۹۸۶: ۴۷)

تاریخ زبان عربی را از یک جهت می‌توان به قبل و بعد از اسلام تقسیم نمود. در دوران قبل از اسلام زبان عربی به دو شاخه عربی جنوبی و عربی شمالی تقسیم می‌شد که عربی جنوبی و یا قحطانی زبانی بود که مردم نواحی اطراف یمن کنونی به این زبان صحبت می‌نمودند که این زبان با ظهور اسلام کم‌کم به دست فراموشی سپرده شد و به جای آن عربی شمالی یا مضرری که مبنای عربی امروزی است در سراسر عربستان غلبه یافت. این زبان را امروزه عربی کلاسیک می‌نامند. (یاری، ۱۳۸۹: ۱۴۲)

#### عربی کلاسیک

منابع مکتوب زبان عربی کلاسیک به دلیل ضعف تمدن عربی در قبل از اسلام و ساختار بادیه‌نشین و غالباً جنگجوی اعراب، بسیار محدود است. در واقع آنچه را که از آغاز روزگار رواج عربی کلاسیک یعنی سده‌های سوم تا ششم میلادی تا ظهور اسلام و بعد از آن به‌جا مانده است می‌توان در گروه‌های زیر طبقه بندی نمود:

- ۱- اشعار جاهلی و اشعار صدر اسلام که شاعران بیشتر به شرح جنگ‌آوری‌ها، غزل‌های عاشقانه و افتخار به اصل و نسب و رجزخوانی‌ها می‌پرداخته‌اند.
- ۲- ایام العرب که تاریخ جنگ‌های عهد جاهلیت میان قبیله‌های عربی یا اتحاد قبایل علیه اقوام خارجی است.
- ۳- برخی موارد فرعی از قبیل کتیبه‌های بسیار محدودی که از آن زمان در کشورهای غیر عربی باقی مانده است و نیز ترجمه‌های کهن انجیل به زبان عربی کلاسیک.
- ۴- قرآن کریم، کلام الهی.
- ۵- مکاتبات رسمی پیامبر اکرم (ص): شامل رساله‌ها، قراردادهای، پیمان‌نامه‌ها و خطبه‌های آن حضرت است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها خطبه مشهور حجه‌الوداع و خطبه شیوای آن حضرت در هنگام ازدواج حضرت فاطمه (س) با حضرت علی بن ابی طالب (ع) است.

نهج البلاغه، اثر ارزشمند مولای متقیان حضرت علی (ع) است. (الفخوری، ۱۹۸۶: ۷۹) با توجه به پیشرفت چشمگیر دین اسلام، زبان عربی کلاسیک که زبان اسلام محسوب می‌شد در طی قرون اولیه بعد از اسلام در خارج از شبه جزیره عربستان متداول گردید. اوج شکوفایی عربی کلاسیک در قرن‌های دوم و سوم هجری در بغداد، مرکز خلافت عباسیان رخ داد. یکی از مهمترین متون کلاسیک عربی این دوره، ترجمه عربی کتاب کلیله و دمنه است که ابن مقفع آن را از زبان پهلوی قدیم به عربی ترجمه نمود. همچنین در این دوره دستور زبان عربی و ساختار اولیه آن که به حضرت علی (ع) منسوب است، به تدریج راه تکامل را می‌پیمود. ایجاد حرکت بر حروف مصوت مانند فتحه و ضمه و کسره از جمله مهمترین نوآوری‌های نحوی است که مخترع آن از شاگردان حضرت علی (ع) بوده است. لغت‌شناسان در شهرهای کوفه، بصره و بغداد با روش‌های گوناگون به پردازش کلمات و تقسیم‌بندی آن‌ها می‌پرداختند و بدین ترتیب بود که دانشمندان مسلمان با استفاده از عربی کلاسیک توانستند علوم مختلف از فلسفه گرفته تا شیمی و ریاضیات را از منابع قدیم سریانی و یونانی ترجمه کنند و آن‌ها را گسترش دهند. همچنین کتب بسیاری به زبان عربی در شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی نظیر تاریخ، تفسیر، کلام، اصول، تصوف و فقه به رشته تحریر درآمد (یاری، ۱۳۸۹: ۱۴۹) با اضمحلال تدریجی عباسیان، زبان عربی کلاسیک نیز دچار رکود و ضعف گردید. قواعد عربی کلاسیک دچار نوعی جمود گشت و دانشمندان به جای سعی در گسترش زبان بیشتر به تقلید از گذشتگان روی آوردند. رشد علوم اسلامی، دیگر به صورت متمرکز ادامه نیافت و دانشمندان هر منطقه از مراکش و اندلس گرفته تا ایران سعی کردند تا فعالیت‌های خود را به شکل مستقل ادامه دهند که البته بیشتر آن تلاش‌ها با نتایج درخشانی همراه گردید. امپراطوری عباسیان با تسخیر بغداد به دست مغولان در اواسط قرن هفتم به کلی نابود شد و زبان عربی وارد دوره ی رکود گشت و این رکود تا قرن سیزدهم هجری و آغاز دوره عربی امروزی ادامه یافت.

## ۲-۲- عربی امروزی

زبان عربی امروزی را می‌توان به دو زبان عربی عامیانه و عربی نوشتاری تقسیم‌بندی کرد. عربی عامیانه در هر منطقه و کشور از دنیای عرب، تفاوت‌هایی در لهجه و تلفظ

کلمات با سایر مناطق عربی دارد. مشهورترین شاخه‌های گفتاری عربی امروزی عبارتند از عربی مصری، مراکشی، بین‌النهرینی، شرقی و عربی نواحی خلیج فارس. (یزدانی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) با وجود تمامی این چند دستگی‌ها در گفتار، زبان عربی امروزی در شکل نوشتاری کاملاً یکپارچه است. چرا که زبان عربی نوشتاری بر مبنای قرآن کریم تنظیم شده است و مسلمانان در تمام کشورهای عربی خود را ملزم می‌دانند که از قواعد مبتنی بر کتاب آسمانی خود پیروی کنند.

زبان عربی از دوره لشگرکشی ناپلئون به مصر مورد هجوم واژه‌های خارجی قرار گرفت. مترجمان عربی در هنگام ترجمه کتاب‌های جدید از زبان‌های اروپایی کلمات را معادل سازی نمی‌کردند بنحویکه « در ابتدای قرن نوزدهم انبوهی از کلمات بیگانه وارد زبان عربی گردید. این کلمات با کمی تغییر در حروف به فرم عربی در می‌آمد و به اصطلاح تعریب می‌گردید. پس از مدتی زبان‌شناسان از تعدد واژه‌های تعریب شده ابراز ناراحتی کردند و به فکر واژه‌سازی برای لغات بیگانه افتادند تا زبان را به اصالت اولیه خود برگردانند. آکادمی‌های زبان عربی یکی بعد از دیگری در کشورهای مصر، سوریه و عراق برای پالایش زبان عربی و واژه‌سازی ایجاد گشت. از آن موقع است که واژه‌هایی چون هاتِف برای تلفن، قطار برای ترن و افعالی چون بَلْمَر برای پلیمری کردن و هَدْرَج برای هیدروژنه کردن تولد یافته است.» (عبد العزیز، ۱۹۹۰: ۵۷). شیوه اشتقاقی کلمات عربی بهترین روش برای ساختن واژه‌های جدید و جلوگیری از تعریب است که این امر باعث شده تا زبان عربی به سبب غنای واژگان و نظم در دستور زبان، خود از زبان‌های برتر دنیا محسوب شود.

### ۳- نفوذ زبان عربی در شبه قاره هند

در حقیقت عوامل متعددی زمینه ساز انتشار اسلام و به دنبال آن نشر زبان عربی در شبه قاره ی هند شد از جمله اینکه شبه قاره در زمان شکوفایی حکومت اسلامی به سبب درگیری و نزاع میان ادیان مختلف دچار ضعف و انحطاط سیاسی شده بود و این امر باعث شد تا «حاکمان هند جهت رهایی از این کشمکشهای میان ادیان و پرهیز از تجزیه ی حکومت خود به دین اسلام روی آورند و برای آشنایی با دین جدید گروهی از تاجران



خود را روانه ی سرزمینهای عربی کردند تا اخباری در مورد این دین جدید برای آنها به ارمغان آورند» (الطزاری، ۱۹۸۵: ج ۱: ۴۱) مهاجرت علما و دانشمندان بلاد اسلامی به ایران و ماوراء النهر از دیگر عوامل انتشار اسلام و زبان عربی در شبه قاره است چرا که در اثر انحطاط حکومت عباسی و شکل گیری حکومتهای مستقل در سرزمینهای اسلامی و تهاجم مغولان و ویرانی کتابخانه ها و سوزانده شدن کتابها، علما چاره ای جز مهاجرت و کوچ به سرزمینهای دیگر نداشتند و شبه قاره یکی از آن سرزمینهایی بود که علما بدانجا مهاجرت کردند چرا که از قرن ۱۱ تا قرن ۱۸ میلادی حاکمان هندی چون غزنویان و گورکانیان و مغولان به تشویق و حمایت علما می پرداختند تا جایی که مدارس را ایجاد کردند که به بزرگترین مراکز علم و دانش مبدل شد و از این رو دانشمندان دیگر بلاد و بالاخص دانشمندان مسلمان به هند روی آوردند. (همان: ۴۳)

عبدالله الطزازی درباره کیفیت انتشار اسلام و زبان عربی در شبه قاره این چنین می گوید: « نخستین حملاتی که منجر به فتح سند شد تهاجمات دریایی اعراب به سواحل هند بود که در سال ۱۵ هجری در زمان عمر بن خطاب صورت گرفت و در کنار این تهاجمات دریایی یورشهای زمینی نیز از طریق ایران به این سرزمین صورت گرفت » (همان: ۴۶) عبد الحی الحسنی الکنوی در این باره می گوید: «اسلام از ناحیه خراسان و ماوراء النهر به شبه قاره راه یافت و پرتوهای علم و دانش از این نواحی در سرزمین هند طلوع خود را آغاز کرد» (الحسنی الکنوی، ۱۹۸۳: ۹) نکته مهم این است که زبان عربی نیز در پی انتشار اسلام در شبه قاره به سرزمین هند راه یافت. ظهور زبان عربی در شبه قاره هند در هم آمیخته و پیوند یافته با ظهور اسلام به عنوان یک دین جهانی بود. شواهد تاریخی در خصوص نخستین ارتباط این دو ملکیت حکایت از آن دارد که « اولین آشنایی ساکنان شبه قاره با عربها به زمانی باز می گردد که ملوانان عرب برای اولین بار در دوران قبل از اسلام در بنادر هند حضور یافتند و این اولین ارتباط تجاری عربها با هندوها بود.» (Ahmad, 1964:57) پس از ورود اسلام و اسلام آوردن هندوها، تلاوت قرآن کریم یک عمل شایسته برای تازه مسلمانان شبه قاره محسوب می شد و بخش مهمی از دینداری آنها بود. مسلمانان در هند مشتاقانه به تلاوت قرآن کریم می پرداختند اما به طور کلی این خوانش در ابتدای امر بدون درک معنای واقعی کلمات قرآن بود و تلاوت آنان صرفاً به عنوان یک عمل دینی تلقی می

شد که تلاوت کننده را به خدا نزدیک تر می کرد و او را بنده و عبد خداوند می ساخت. کائور (Kaur) در بیان موضوع گرایش مسلمانان هندی به آموختن زبان عربی معتقد است که « تلاوت قرآن کریم در هند به طور کلی در خانه ها، مساجد و در زمان های مختلف روز یا شب، جداگانه یا جمعی، در گروه های مذهبی و تجمعات اجتماعی به صورت روزانه و منظم، در طول سال صورت می گرفت و بدین ترتیب خواندن و تلاوت قرآن و انجام فرایض الهی اسلام سبب شد تا هندوها خواندن و نوشتن زبان عربی را راحت تر بیاموزند.» (Kaur, 1990: 68) با گرویدن هندوها به دین اسلام روز به روز نیاز مذهبی مسلمانان هند به یادگیری زبان عربی بیشتر می شد و در این راستا بود که مدارس جهت تعلیم این زبان در هند تاسیس شد. اگر چه رسالت مدارس به طور کلی آموزش علوم و فنون است اما « این مدارس تمرکز اصلی خود را بر آموزش قواعد و اصول دین و آداب نماز و تلاوت قرآن کریم و حفظ سوره ها و شرح و تفسیر احکام ویژه ی نماز و دعا و ... قرار دادند و بدین وسیله یک دانش پایه از زبان عربی را در اختیار مسلمانان هند گذاشتند. این دروس دینی اغلب در مساجد و یا در مدارس دینی که به صورت مستقل از مساجد ساخته شده بود، آموزش داده می شد. در ابتدا آموزش زبان عربی به طور کلی فقط متمرکز بر آموزش مسائل و احکام دین بود.» (Ishaq, 1955: 25)

آموختن تعالیم دینی از طریق فراگیری زبان عربی همواره مورد توجه ساکنان شبه قاره بوده است زیرا « زبان عربی از علوم دینی اسلامی است که مسلمانان هند از قدیم الایام نهایت تلاش خود را در فراگیری این زبان و نشر معارف آن به کار گرفته اند و چنان ارتباط مستحکمی بین زبان عربی و دین اسلام وجود دارد که تمامی کسانی را که قصد فراگیری دین اسلام و شریعت آن را دارند به فراگیری زبان عربی محتاج و نیازمند می سازد » (رسولپوری، ۱۹۵۸: ۱) از این کلام رسولپوری مشخص می شود که زبان عربی بواسطه ی مدارس دینی در هندوستان رواج یافت زیرا زبان عربی زبان دین بود و از خلال درسهای اسلامی و آموزش مبانی و اصول اولیه اسلام در مدارس دینی که بدین منظور احداث شده بود به ساکنان تازه مسلمان هند آموزش داده می شد و سپس به وسیله ی گنجاندن شرح های مختلفی از کتابهایی نظیر معلقات، دیوان متنبی، مقامات حریری، مطول، کافیه، شافیه و ... در برنامه های درسی آموزش داده می شد.

یکی از عوامل گسترش زبان عربی در هند تشویق سلاطین و حکام شبه قاره بود چرا که حکمرانان هند در ایام غزنویان و غوریها به احداث مراکز علمی در شهر لاهور، دهلی، ملتان و دیگر شهرهای هند نظیر گجرات، دکن، جنبور، لکنو، اوده، بکرام، هگرام، جائس، کاکوری، خیرآباد و ... پرداختند و بدین وسیله زمینه‌ی آموزش علمی و نفوذ زبان عربی به هند را فراهم نمودند. ظهور اسلام در شبه قاره و شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی در این منطقه سبب تاثیر زبان عربی بر زبان و لهجه‌های متعدد هندی شد به گونه‌ای که «این پیوند و آمیختگی واژگانی تا بدان پایه پیش رفت که بسیاری از لغات زبان عربی در زبانهای امروز هند یعنی زبانهای اسامی، اردو، اریا، بنگالی، پنجابی، تامیل، تلگو، کشمیری و ... به کار گرفته شده است. نکته‌ی قابل تامل این است که امروزه بالغ بر هشت هزار واژه‌ی عربی در زبانهای اردو وجود دارد. این امر یعنی نفوذ واژه‌های عربی در زبان اردو تحت تاثیر واژه‌سازی زبان فارسی است چرا که اغلب این واژه‌های عربی به وسیله‌ی فارسی‌زبانان به شبه قاره راه یافته است» (رادفر، ۱۳۷۸: ۲۳۱-۲۴۱)

با ورود و استقرار مسلمانان در سند، این منطقه با دمشق و بغداد و دیگر مراکز علمی و سیاسی آن روز دنیای اسلام ارتباط برقرار کرد و به این ترتیب «سند پل ارتباطی هند با دنیای اسلام گردید و فرهنگی هندی - اسلامی در این منطقه رشد و نمو پیدا کرد.» (Balaoch, 1994 : 137). و آموختن زبان و خط عربی بیش از پیش برای مسلمانان آن دیار آسان می‌نمود چرا که «اعراب در سند زبان و خط عربی را به کار می‌بردند و این زبان و خط در تمامی دره‌ی هند رسمی و رایج بود» (مقدس، ۱۳۶۱: ج ۲: ۷۰۵) حاکمان عرب در سند آداب و رسوم محلی را پذیرفتند و این امر به پذیرش حکومت آنان توسط بومیان کمک کرد و همچنین باعث پذیرش تدریجی اسلام توسط آنان شد به گونه‌ای که «مسلمانان، نظام جدید آموزشی مبتنی بر آموزش قرآن و احادیث نبوی را بنا نهادند و این امر، هم به رواج اسلام و هم رواج زبان عربی کمک کرد و فراگیری زبان عربی توسط بومیان، ارتباط نزدیکتر آنان با مسلمانان را فراهم ساخت.» (Durani, 2000: 11) داد و ستد واژگان در بین زبانها نشان از تحول و پویایی این زبانها دارد در همین راستا «قرن‌ها است که بواسطه‌ی دین اسلام، واژگان عربی به صورت گسترده به زبان هندی راه یافته و به وسیله‌ی مردم هند و بویژه مسلمانان هند مورد استفاده قرار گرفته است که از جمله این

کلمات می توان به الفاظی چون دین، حج، ایمان، جنت، جهنم، حق، حکمت، دنیا، رسالت، سلام، صدقه، ظلم، عدالت، غسل، فساد، قبر، قلم، کفن، لذت، ماتم، وفاداری، وعده، یقین و ... اشاره کرد.» (Qutbuddin, 2007:14). علاوه بر موارد مذکور، واژگان دینی با منشأ غیر عربی (مانند روزه و نماز) به زبان هندی راه یافت. کاربرد الفاظ یک زبان در زبانهای دیگر از طرق مختلفی صورت می پذیرد اما « ادغام عربی با زبان های هندی عمدتاً از دو طریق، مستقیم و وساطت یا میانجگری صورت می گرفت که منظور از وساطت در اینجا این است که واژگان عربی که پیش از آن به زبان فارسی راه یافته بود در اثر استیلای ایرانیان بر هند به عنوان کلمات فارسی وارد زبان هندی شد. برخی از محققان بر این باورند که این وساطت به صورت مطلق بوده است» (Kaur, 1990:161). افزون بر این کلمات، عبارات عربی- اسلامی نیز به زبان هندی راه یافت که از جمله این عبارات می توان به « الحمد لله (خدا را شکر) سُبْحَانَ اللَّهِ (خداوند پاک و منزّه است)، مَا شَاءَ اللَّهُ (آنچه خدا خواست!) إِنْ شَاءَ اللَّهُ (اگر خدا بخواهد) و جَزَاكَ اللَّهُ (خدا به تو پاداش دهد!) و ... اشاره کرد و علاوه بر این عبارات، سخنرانی ها و خطبه های عربی در زبان هندی وجود دارد که اغلب کوتاه، یک جمله ای و یا طولانی، چند جمله ای می باشند.» (Siddiqui, 2002:34-39 امروزه تأثیر زبان عربی بر زبان های هندی به اندازه ای است که می توان گفت « بیش از ۳۰ درصد واژگان موجود در زبان هندی برگرفته از زبان عربی است و تا قبل از آمدن بریتانیا و استعمارگران به هند بیشتر کلمات در شبه قاره ی هند به زبان عربی نوشته می شد.» (Qutbuddin, 2007:14) علی ابوبکر در این باره می گوید: « یک پنجم کلماتی که در حال حاضر در زبان هندی استفاده می شود کلماتی مانند المِقْصَص (قیچی)، بُنْدَقِيَا (تفنگ)، حَكِيم (حاکم)، قَلَم (قلم)، مَنشَأ و اصل عربی دارد.» (Khan, 2013:14 پس از اسلام به ویژه در دوره پادشاهان غزنوی، غوری، خلج، تولهک، و لودیس و ... نفوذ و گسترش زبان عربی در شبه قاره ی هند شدت و سرعت بیشتری یافت چرا که در تمامی این دورانها زبان عربی در کنار زبان اردو زبان محاکم و دیوان و دفاتر و انشا بوده است و اهل علم آثار خود را به زبان عربی می نوشتند.

نگاهی به مطالب مربوط به کتابشناسی نشان می دهد که درصد قابل توجهی از کتابها در شبه قاره ی هند پس از ورود اسلام و تثبیت علوم عربی در هند به زبان و خط عربی

نوشته می شد که در ابتدا بیشتر این آثار در باب موضوعات مذهبی بود که از جهان اسلام وارد شبه قاره شده بود. بروکلیمان نیز بر این موضوع صحنه می گذارد آنجا که می گوید: « در حدود هشتاد و پنج درصد از کتابهای عربی- هندی در باب موضوعاتی چون فقه، عرفان، الهیات و از این دست مباحث نوشته شده است و تنها پانزده درصد این کتابها در موضوعات دیگر چون علم، زبان، فلسفه، پزشکی و ... به رشته تحریر در آمده است». (Brockelmann, 1938:309-312) تالیفات عربی- اسلامی فراوانی توسط علما و دانشمندان هند به رشته تحریر در آمده است و از لحاظ تعداد « تاریخ نگاران میزان این آثار را در حدود ۳۶۰ کتاب در علوم مذهبی (۸۷ الهیات، ۷۵ عرفان، ۷۴ تصوف، ۴۵ حدیث، ۵۵ تاریخ و ۴۵ جغرافیا) و حدودا ۲۱۷ کتاب در زمینه های مربوط به میراث اسلامی (۹۹ فلسفه، ۵۶ پزشکی، ۲۲ ادبیات و ۱۸ ریاضیات) دانسته اند». (Qutbuddin, 2007: 15).

هندی ها، نه تنها در کتابهای خود به ثبت و ضبط متون عربی به ویژه عبارات و کلمات قرآنی می پرداختند بلکه هنرهای معماری خود را نیز با عبارات عربی می آراستند و از تزئینات و نقشینه های مختلف عربی- اسلامی از قبیل متون و تصاویر عربی استفاده می نمودند. قطب الدین در این باب چنین می نویسد: « نخستین کتیبه ی کشف شده در هند که دارای نقشینه های عربی- اسلامی است به قرن هشتم میلادی باز می گردد که باستان شناسان این کتیبه را از مسجدی در کووالام از نواحی جنوب هند بدست آورده اند». (Qutbuddin, 2007: 38) و از قرن سیزدهم با استقرار مسلمانان در شمال هند کتیبه های اسلامی بسیاری از مسلمانان نواحی شمالی هند بر جای مانده که به دوران استقرار مسلمانان در این نواحی یعنی قرن سیزدهم میلادی باز می گردد. این کتیبه های کشف شده مزین به آیات قرآن و دیگر متون عربی است و در دوره های بعد، بناهای زیادی توسط مسلمانان در سراسر هند ساخته شد که آراسته به متون و نام های عربی و آیات قرآنی است از جمله تاج محل (۱۶۳۰-۱۶۵۲) که در آگرا ساخته شده است و این کاخ با سوره یاسین تزئین شده است. آرامگاه سیف الدوله از دیگر بناها است که در بمبئی ساخته شده و تنها سازه در جهان است که در آن نوشته های عربی از طلا بر روی سنگ مرمر نوشته شده است .

یکی دیگر از آثاری که در دیار هند نقش و نگارهای زبان عربی را در بر دارد سکه هایی است که توسط حاکمان مسلمان در دو قالب ایرانی و عربی - اسلامی ضرب شده اند. از دوره حکومت اعراب در سند سکه هایی برجای مانده است که بر روی آنها آیات قرآن و اسامی به زبان و خط عربی نوشته شده است و از جمله این سکه ها «سکه ای مربوط به دوره ی ابو مسلم است که بر روی آن عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ» و در حاشیه ی آن عبارت «بِسْمِ اللَّهِ مَا أَمَرَ بِهِ الْأَمِيرُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ مُسْلِمٍ» و در پشت آن «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و در حاشیه ی پشت آن عبارت «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» حک شده است و بر روی برخی سکه ها با خط کوفی نوشته شده است که این نشان می دهد خط کوفی نیز در سند رایج بوده است.» (Pathan, 1968: 123-124) پس از استقلال هند و تقسیم بندی های پس از آن یعنی استقلال پاکستان و بنگلادش استفاده از این زبان توسعه و گسترش بیشتری یافت و در دهه های بعد از استقلال، استفاده از زبان عربی با هویت اسلامی آن حفظ شد.

#### ۴- نتیجه

پیشینه ورود اسلام به هند به قرن اول هجری قمری (سده ی هفت میلادی) بازمی گردد که پس از ورود اسلام به هند و ارتباط و پیوند هندوها با عربهای کشورگشا بخش عمده ای از واژگان عربی به زبان هندی راه یافت که این الفاظ در ابتدا با دین و ارزشهای اخلاقی و مسائل آن پیوند داشت اما با گذر زمان و در طی قرون متمادی و آشنایی هر چه بیشتر هندوها با زبان عربی و آثار ادبی آنها، واژگان دیگری که با علوم گوناگون عربی نظیر فقه، ریاضیات، صرف و نحو، پزشکی، ستاره شناسی و... ارتباط داشت، به زبان هندی راه یافت. نکته قابل توجه در این زمینه این است که ادغام زبان عربی در زبان هندی عمدتاً از دو طریق صورت می گرفته است یکی مستقیم توسط خود اعراب و دیگری از راه وساطت یعنی واژگان عربی که قبلاً به زبان فارسی راه یافته بود در اثر تعامل هندی ها با ایرانیان به عنوان واژگان فارسی به زبان هندی راه می یافت و بدین ترتیب کلمات عربی در شبه قاره نفوذ کرد و هندوها با زبان عربی آشنا شدند و این آشنایی به اندازه ای است که محققان و علمای هند توانستند تالیفاتی را نیز به زبان عربی عرضه نمایند. مسلمانان هند در ابتدای آشنایی خود با زبان عربی، از این زبان صرفاً در

انجام امور دینی خود استفاده می کردند اما رفته رفته با توسعه ی بیشتر این زبان در هند، زبان عربی در جنبه های مختلف زندگی هندی ها از جمله جنبه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و معیشتی رسوخ کرد و با این وجود زبان عربی توانست علاوه بر تاثیر در تالیفات محققان هندی در تعاملات تجاری، سیاسی و فرهنگی هند با عربها تاثیرگذار باشد و استفاده از زبان عربی در هند چنان فزونی یافت که می توان آثار آن را در نامگذاری ها و بناها و کتیبه ها و سکه های برجای مانده از آن دوران مشاهده کرد.

#### ۵-منابع

- ۱- ابن اثیر، **الکامل فی التاریخ** ، به کوشش محمدبن یوسفی دقاق، بیروت : دارالکتب العلمیه ، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه ق.
- ۲- پی هاردی ، **مسلمانان هند بریتانیا** ، مترجم حسن لاهوتی ، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۹ه ش.
- ۳- تاراچند ، **تاثیر اسلام در هند**، ترجمه ی علی پرنیا، چاپ اول، تهران : نشر پاژنگ، ۱۳۷۴ه ش.
- ۴- الحسنی الکنوی، **عبد الحی، الثقافه الاسلامیه فی الهند، سوریا، انتشارات دار الاحیاء** ۱۹۸۳م.
- ۵- دولافوز، ت، ف؛ **تاریخ هند**، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران : نشریات کمیسیون معارف ، ۱۳۱۶ه ش.
- ۶- رادفر، ابوالقاسم، **دار الترجمه عثمانیه و وضع اصطلاحات علمی به زبان اردو، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۸ه ش.**
- ۷- رسولپوری، احمد، دیوان احمد، هند، انتشارات لکنو ۱۳۸۵ه ش.
- ۸- الطرازی، عبدالله، **انتشار الاسلام فی العالم، السعودیه: جده، ۱۹۸۵م.**
- ۹- عبد العزیز، محمدحسن؛ **التعریب فی القدیم و الحدیث، قاهره، مکتبه المصر، ۱۹۹۰م.**
- ۱۰- فاخوری، حنا؛ **الجامع فی تاریخ الادب العربی (الادب القدیم)**، بیروت : دار الجیل، ۱۹۸۶م.

- ۱۱- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: نشر مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ه. ش.
- ۱۲- نهرو، جواهر لعل، کشف هند، ترجمه ی محمود فضیلت، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ ه. ش.
- ۱۳- یاری، سیاوش، تعامل و تحول علمی در هند، پژوهشنامه تاریخ اسلام سال اول شماره ۲ صص ۱۳۹-۱۵۲، ۱۳۸۹ ه. ش.
- ۱۴- یزدانی، رضا، ورود اسلام به شبه قاره، پژوهشنامه تاریخ اسلام سال اول شماره ۳ صص ۱۰۹-۱۲۵، ۱۳۹۰ ه. ش.